گزارش

بازگشت هومن سیدی به نمایش خانگی با «وحشی»

این کارگردان امضای خاص خود را دارد

علی کلانتری هومن سیدی، کارگردان، بازیگر و نویسنده معروف که در سال‌های اخیر با آثارش توانسته جایگاه ویژه ای را میان طرفداران سینما و سریال بدست بیاورد، روز گذشته با انتشار پُستی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی اعلام کرد که جدیدترین سریال خود را در دست ساخت دارد و احتمالا بزودی و با پایان مراحل فیلمبرداری و تدوین باید شاهد پخش آن در پلتفرم نمایش خانگی فیلمنت باشیم.

بر اساس اعلام هومن سیدی، ظاهرا نام اثر جدیدش «وحشی» خواهد بود و هنوز به شکل رسمی از عوامل و بازیگران سریال رونمایی نشده اما چندی پیش نوید پورفرج با حضور در برنامه «۳۵ میلی‌متری» در گفت وگو با فریدون جیرانی اعلام کرد که در سریال جدید سیدی بازی دارد. علاوه بر پورفرج سریال «وحشی» ستاره‌های مطرح دیگری دارد که اسامی آن‌ها طی روزهای آینده به شکل رسمی اعلام خواهد شد.

هومن سیدی در سال‌های اخیر با اینکه آثار کمی را در قامت کارگردان مقابل دوربین برده ولی در همین حضور کم توانسته به شدت تحسین مخاطبان و منتقدان را برانگیزد و به نوعی با عملکرد قابل قبولی که از خود به جای گذاشته، به یکی از کارگردان‌های جوان کشور تبدیل شود که تنها نام او به عنوان کارگردان در هر اثر، حال چه سینمایی و یا سریال، می تواند تعداد مخاطب و یا فروش آن را تضمین کند.

هومن سیدی که به صورت حرفه ای از سال ۱۳۸۳ در فیم «یک تکه نان» مقابل دوربین رفت توانست گام محکمی برای ادامه راهِ سینمایی خود بردارد. سیدی پس از بازی در شش اثر در فاصله سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ تصمیم گرفت که علاوه بر بازیگری اینبار نویسندگی و کارگردانی را نیز امتحان کند.

آفریقا به تهیه کنندگی مجید اسماعیلی و مجتبی امینی پس از شش فیلم کوتاه، اولین فیلم بلند او بود که بازی شهاب حسینی و آزاده صمدی و جواد عزتی توانست تا حدودی استعدادهای سیدی در امر نویسندگی و کارگردانی را نیز در میان اهالی سینما نمایان کند. سیدی بلافاصله و با توجه به موفقیت آفریقا و واکنش‌های مثبت مردم سراغ ساخت سینمایی دوم خود رفت و فیلم «سیزده» را مقابل دوربین برد. فیلمی متفاوت از آنچه که در سینمای دهه هشتاد بر روی پرده نقره ای پخش می شد؛ واکنش‌های ضد و نقیضی به همراه داشت. فضای دارکِ جاکم بر تمامِ اثر سیدی، نشان داد که این کارگردان می خواهد در ادامه راهِ نویسندگی و کارگردانی خلافِ جهت آب شنا کند و امضای خاص خودش را داشته باشد.

سیدی در اوایل دهه ۹۰ توانست با بازی در فیلم «خط ویژه» بیش از پیش نام خود رادر میان مردم بر سر زبان‌ها بیندازد. خط ویژه که در آن روزهای پخش به شدت مورد استقبال مردم قرار گرفته بود و در محافل سینمایی و غیرسینمایی بحث داغِ روز بود سکوی پرتابی دوباره برای هومن سیدی شد که این بار بیشتر در قامت یک بازیگر کاربلد و درست و حسابی به چشم بیاید و یکی از سوپراستارهای زمان خود نام بگیرد.

سال‌های ۹۱ تا ۹۳ روزهای پر کار سیدی بود و پس از ساخت«سیزده» کمی از کارگردانی و ساخت فاصله گرفت و در ۵ فیلم به ایفای نقش پرداخت و الحق و النصاف در این مسیر هم به شدت موفق بود. فیلم بعدی سیدی در سال ۱۳۹۳ کلید خورد. «اعترافات ذهن خطرناک من» فیلمی بود که نویسندگی و کارگردانی و تدوین آن را سیدی به شخصه به عهده گرفت. فیلمی نزدیک به فیلم قبلی و فضایی تاریک و نزدیک به ذهن کارگردان؛ فیلمی که علی رغم زیبایی‌های محتوایی چندان مورد اقبال مردم قرار نگرفت و به همین واسطه خیلی زود از یادها رفت .

نیمرخ‌ها، پل خواب، مادریو اینجا کسی نمی میرد، فیلم‌هایی بود که سیدی تصمیم گرفت بعد از سومین ساخته اش که چندان هم خوشایند نبود، در آنها به ایفای نقش بپردازد. فیلم‌هایی که همگی در زمان اکران و یا پس از آن تقریبا توانستند نمره قبولی را از مخاطبان بگیرند.

«خشم و هیاهو» از آن کارهایی بود که به راحتی نمی شود از کنارش گذشت. شروع دوران اوج نوید محمدزاده و طناز طبابایی مصادف شده بود با بازی در خشم و هیاهوی سیدی ! فیلمی خط شکن و تابو شکن که بسیار مورد توجه قرار گرفت. خشم و هیاهو با فیلمنامه ای منسجم و بازی‌هایی منسجم تر باعث شد که اسم هومن سیدی این بار در قامت کارگردان یک اثر خوش ساخت بیش از پیش مطرح شود و از این جای کار بود که امضای سیدی در کارهایش به امضایی رسمی تبدیل شد و سبک کارهای وی مورد قبلو عوام وخواص سینمایی قرار گرفت.

پس از خشم و هیاهو کمتر کسی فکر میکرد که سیدی دوباره به دنبال بازی در آثار دیگران باشد ولی در همین بحبوحه سیدی بازی در سریال عاشقانه منوچهرهادی را پذیرفت . سریالی که فراتر از حد انتظار در آن روزهای ابتدایی اوج شبکه نمایش خانگی دیده شد. با اینکه سریال عاشقانه فیلمنامه آنچنانی نداشت و یا شاید در بعضی قسمت‌ها بسیار ضعیف و دم دستی بود ولی سیدی با بازی ظریف و قابل قبولش توانست در آن روزهای پخش به یکی از ترندهای فضای مجازی تبدیل شود و بسیاری از صفحه‌های اینستاگرامی صرفا بخاطر بازپخش سکانس‌های مربوط به سیدی تشکیل شدند.

در فاصله میان سال‌های ۹۴ تا ۹۶ سیدی مانند سال‌های قبل از کارگردانی فاصله گرفت و در سریال گلشیفته و فیلم‌های کمدی انسانی، آذر و مصادره نقش‌های متفاوتی را بر عهده گرفت و به زعم بسیاری از سینماگران به خوبی توانست از عهده تغییر کاراکترها بربیاید و در هر اثر یک روی متفاوت از خود را به نمایش بگذارد.

«مغزهای کوچک زنگ زده» سال ۱۳۹۶ را باید شاهکار سیدی در فیلم سازی دانست . فیلمی که به یکباره توانست در گیشه سروصدای زیادی به پا کند و علاوه بر روایت و خط داستانی منسجم همراه با زیبایی‌های بصری وصف نشدنی و پایانی معرکه، بازیگران نوپای درجه یکی همچون نوید پورفرج را به سینمای ایران معرفی کند.

مغزهای کوچک زنگ زده به یکباره هومن سیدی را از یک کارگردان معمولی به کارگردانی محبوب تبدیل کرد و انتظارات مردم و اهالی سینما را از خود به یکباره چندین پله افزایش داد.

پس از اکران و استقبال از این فیلم، هومن سیدی سنت شکنی نکرد و دوباره پس از ساخت فیلم به خودش استراحت داد و سعی کرد در قامت بازیگر به ادامه کارهای سینمایی اش بپردازد. فیلم سینمایی طلا از آن دست فیلم‌هایی بود که هومن سیدی در آن خوش درخشید و توانست دوباره پس از دو سال غیبت در بازیگری، با فیلمی درست و حسابی دوباره میهمان نگاه مردم بشود.

هومن سیدی پس از کارها در سینماو تلویزیون با توجه به اقتضای زمان و همچنین علم به پیشرفت شبکه‌های نمایش خانگی و صنعت سریال سازی به مانندبسیاری از کارگردان‌های بزرگ سینمایی ایران، تصمیم گرفت در سال ۱۳۹۸ برای یکی از شبکه‌های نمایش خانگی برای اولین بار سریال بسازد. قورباغه سریالی که هنوز پس از گذشت تقریبا پنج سال از اتمام آن طرفداران خاص خود را دارد و عده ای حتی چندین بار به تماشای تکرار آن نشستند.

سریالی با بازی نوید محمدزاده که علاوه بر داستان و فیلمنامه بکر و ایده جدید، از لحاظ فیلمبرداری و تدوین انقلابی در صنعت سریال سازی ایران محسوب می شود .

«جنگ جهانی سوم» ششم اثر سینمایی هومن سیدی با بازی بی نقص محسن تنابنده آخرین اثر سینمایی او تا به امروز است. سیدی با ساخت این فیلم نشان داد که در کارگردانی و نویسندگی به پختگی رسیده و می تواند یک تنه فیلمی بسازد که همه را انگشت به دهان بگذارد. بسیاری از مخاطبان سینمایی این فیلم پس از پایان آن به دلیل پایان بندی بی نقص، چندین دقیقه آن را ایستاده تشویق کردند.

حال به همه دلایلی که گفته شد، خبر ساخت سریال جدید هومن سیدی بسیار جذاب است. سریالی که پس از قورباغه و مغزهای کوچک زنگ زده و جنگ جهانی سوم می تواند زیبایی‌های جدیدی را برای علاقمندان به سبک سیدی به همراه داشته باشد.

آنچه در هفدهمین جلسه «پاتوق فیلم‌کوتاه» گذشت

واقعاً همه به تراپی نیاز داریم؟

هفدهمین جلسه از فصل نهم پاتوق فیلم‌کوتاه، با اکران و بررسی فیلم‌های «رویای نیمه جان»، «امتحان نهایی»، «ایکس» و «O۲» در سینما بهمن تهران برگزار شد.

به گزارش روابط‌عمومی انجمن سینمای جوانان ایران، هفدهمین جلسه از نهمین فصل پاتوق فیلم کوتاه، روز یکشنبه ۷ مردادماه ۱۴۰۳ با نمایش ۴ فیلم کوتاه در پردیس سینمایی بهمن برگزار شد. در این جلسه از فصل نهم پاتوق که به همت انجمن سینمای جوانان ایران برگزار شد، فیلم‌های کوتاه «رویای نیمه جان» به کارگردانی آرمین اعتمادی، «امتحان نهایی» به کارگردانی مهدی نجفی، «ایکس» به کارگردانی مشترک مهدی میرزاده و محمد تیموری و «O۲» به کارگردانی سعید دشتی روی پرده رفتند و در ادامه شاهین شجری‌کهن نویسنده و منتقد سینما و محمد صابری به‌عنوان مجری کارشناس در گفت‌وگو با کارگردانان این آثار به بررسی آن‌ها پرداختند.

سیاوش چراغی‌پور نویسنده و کارگردان باسابقه سینما مهمان ویژه این نوبت از پاتوق فیلم کوتاه بود. شاهین شجری‌کهن در ابتدای این نشست درباره اهمیت سینمای کوتاه اظهار کرد: حوزه‌هایی که هنوز می‌شود ایده‌ها و کارهای جدی را در آن دنبال کرد، فیلم کوتاه و مستند است چراکه برخلاف جریان اصلی سینمای بلند که خیلی تجاری و در خدمت گیشه و پول است، هنوز در فیلم کوتاه ایده‌های خوب و تجربه‌های جسورانه می‌بینیم اما گاهی این سوال پیش می‌آید که همین بچه‌های کوتاه با قدم گذاشتن به سینمای بلند باید نشانی از این جسارت و تجربه‌گرایی را داشته باشند، پس چرا ندارند؟

در ادامه مهدی نجفی کارگردان فیلم‌کوتاه «امتحان نهایی» بیان کرد: این فیلم اولین فیلم من بود که آن را سال ۱۴۰۰ با هدف انتشار در سوشال مدیا ساختیم و سعی کردیم مرحله پس‌تولید را هم ساده برگزار کنیم. اسم‌های مختلفی هم برای فیلم به ذهنم رسید اما «امتحان نهایی» استعاره‌ای از لحظات زندگی آدم‌هاست که گاهی باید در بزنگاه‌ها تصمیم بگیرند.

شجری‌کهن هم درباره این فیلم‌کوتاه توضیح داد: فیلم خیلی ایده‌محور است و نگاه نمادین و استعاری به همه چیز دارد، مدام می‌خواهد مخاطب را با تلنگر به مسایل اجتماعی و فرهنگی آگاه کند. در این مسیر دچار تاویل‌گرایی می‌شود، از نظر اجرا هم خیلی ساده و نرمال است و چندان تجربه‌گرایی نمی‌کند. در واقع متکی به ایده محوری خود است و تناظرهایی ایجاد می‌کند که مخاطب یا آن‌ها را منطقی می‌یابد یا فکر می‌کند گل‌درشت است. با همه این اوصاف اثر قابل‌قبولی است اما خام‌دستی کارهای اول را هم دارد. به نظرم فیلم کوتاه نیاز به تجربه‌گرایی در ساخت هم دارد و باید ساختارها را بشکنند.

نجفی هم بیان کرد: فرایند تولید این فیلم برای من خیلی زمان‌بر بود، از یک جایی به بعد هم دیگر ناامید شده بودم. گرچه درباره این فیلم می‌گویند شعارزده است اما باید بگویم من با شعار دادن مخالف نیستم اما می‌خواستم اگر در فیلمم شعار می‌دهم این شعار در یک قالب خوب مطرح شود، پس روی ایده خیلی وقت گذاشتم.

شجری‌کهن هم گفت: موضوعی که مایه ساخت «امتحان نهایی» است نیاز به ایده ندارد و از موارد بیلبوردی است، هنرمندانه گفتن یک موضوع زمانی معنا پیدا می‌کند که بخواهید پیامی را غیرمستقیم به مردم منتقل کنید که در این فیلم این اتفاق رخ نداده، ولی به هر حال مهم لحن و نحوه روایت است، تردیدی وجود ندارد که در فیلم‌کوتاه برخی استعداد روایتگری بصری دارند، یک مشوق‌هایی هم دارند و سازمان‌هایی بودجه‌ای می‌دهند که بروند و فیلم بسازند. برخی هم بودجه‌ای دریافت می‌کنند و سپس سراغ ایده می‌روند این هم یکی از شاخه‌های فیلم‌سازی است.

نجفی در ادامه درباره اینکه «امتحان نهایی» در چند روز ساخته شده است، گفت: این فیلم در یک روز ساخته شد. چون تک لوکیشن بود و همه چیز را در یک روز جمع کردیم، همه سکانس‌ها را هم عصر تا دم صبح گرفتیم. همیشه برای خودم این فیلم یک فیلم خاصی بود.

سعید دشتی کارگردان دیگری بود که فیلمش مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

وی در ابتدا گفت: «O۲» دومین فیلم من است، البته فیلم مورد علاقه خودم نیست ولی پشتش می‌ایستم چون به هر حال من ساخته‌ام، با این حال می‌دانم ایراداتی دارد و قصه آن گنگ است. هدف من از فیلم‌سازی هیچوقت این نبوده که با نگاه به جشنواره‌ها اثری بسازم و به دنبال ساخت فیلم‌های جشنواره‌زده نبوده‌ام. من این فیلم‌ها را مشقی برای ساخت فیلم‌های بلند می‌دانم. «O۲» هم محصول نگاه من در دوران کرونا بود و اگر به عقب برگردم شاید آن را اینقدر تلخ نسازم.

شجری‌کهن هم توضیح داد: هر جشنواره‌ای، هر نهادی هر جایی برای گزینش یک فیلم حتما هدف‌گذاری خود را دارد ولی ملاک نهایی باید کیفیت سینمایی اثر باشد. اگر سینمای ایران مشکل فقر ژانر دارد این مشکل ابتدا باید در سینمای بلند و شبکه نمایش خانگی حل شود اما ما پذیرفته‌ایم که برخی ژانرها را نداشته باشیم و یک در میان فیلم‌های کمدی، اجتماعی می‌سازیم.

این منتقد سینما تأکید کرد: ما فقر ژانر داریم اما نمی‌توانیم از بچه‌های کوتاه این توقع را داشته باشیم که آن‌ها مشکل ژانر را حل کنند. مهمترین وجه این بسته‌های فیلم‌کوتاه این است که چشم‌اندازی از جامعه امروز و مباحث روز پیش روی ما می‌گذارند. در پلت‌فرم‌ها و اکران سینماها آنچه رواج دارد حاکی از نوعی بی‌خبری و دعوت به سرگرمی و فراموش کردن است و واقعیت جامعه در این آثار بازتاب پیدا نمی‌کند اگر روزی بخواهیم واقعیت جامعه را بازیابی کنیم باید ردپای آنها را در فیلم کوتاه و مستند بیابیم. وقتی فیلم‌های کوتاه را می‌بینید، متوجه می‌شوید چه تصویر درستی از حاشیه‌نشینی، فقر و... را دارد.

سپس آرمین اعتمادی کارگردان «رویای نیمه‌جان» روی صحنه آمد و اظهار کرد: این فیلم را به‌عنوان فیلم دوم در سال ۱۴۰۲ ساختم. مسأله آرزوی محقق نشده یک زن چیزی بود که دغدغه‌ام بود و بر اساس آن «رویای نیمه‌جان» را ساختم.

شجری‌کهن هم گفت: «رویای نیمه جان» بیشتر نشان از یک فیلم‌نامه سر و شکل‌دار دارد و سعی می‌کند مخاطب را با نحوه توزیع قصه همراه کند یعنی شما باید با فیلم همراه شوید، گره‌ها را یکی‌یکی باز کنید و قصه را دریابید، ضمن اینکه بازی‌ها هم حرفه‌ای هستند. در واقع مشخص است که بارها و بارها روی متن کار شده است و اجزای آن انسجام قابل‌قبولی دارند، یعنی به صورت بداهه ساخته نشده است.

سپس اعتمادی هم در معرفی خود بیان کرد: من فوق‌لیسانس مهندسی مکانیک دارم ولی دوره‌های انجمن سینمای جوان را گذرانده‌ام. این فیلم هم به‌نوعی درباره زیست خودم است، منی که علاقه‌مند به دنیای هنر بودم اما سراغ تحصیلات مهندسی رفتم. این فضای ذهنی و این تقابل با واقعیت خشک ملال‌آور، برای من مسأله بود.

شجری‌کهن هم توضیح داد: فیلم کوتاه می‌تواند یک تجربه محض برای شما داشته باشد و مواجهه شما با صحنه می‌تواند یک تجربه باشد. فیلم باید کشش دراماتیک داشته باشد تا مخاطب با آن همراه شود اگر طراحی درستی نداشته باشید این اتفاق نمی‌افتد در «رویای نیمه‌جان» طراحی درستی شکل گرفته و فیلم سر و شکل‌دار شده است.

اعتمادی در واکنش به تدوین درست فیلم‌کوتاه «رویای نیمه‌جان» گفت: تدوینگر این اثر آقای آرش انیسی است که خودش یک فیلم‌ساز درجه یک است. او فیلم «مامان» را ساخته که متأسفانه هنوز هم اکران نشده است. همین جا خوب است مساله‌ای را مطرح کنم؛ اینکه تفاوتی بین پیچیدگی و پیچیده‌نمایی وجود دارد، ابهام به شرطی ابهام است که در ذات قصه وجود داشته باشد اگر من در فیلم از چیزی دریغ کنم، پیچیده نمایی صورت می‌گیرد و این موضوع به راحتی لو می‌رود. ما پنج روز فیلم‌برداری داشتیم که چهار روز و نیم طول کشید. فیلم آنقدری گران نیست که به نظر می‌آید «رویای نیمه جان» با دوربین سونی فیلم‌برداری شده است.

در ادامه مهدی میرزاده و محمد تیموری کارگردانان «ایکس» روی صحنه آمدند.

میرزاده گفت: متن فیلم‌نامه این اثر از من بود و کارگردانی از آقای تیموری، ضمن اینکه فیلمنامه «ایکس» را می‌توان به‌نوعی اقتباس هم به شمار آورد.

تیموری هم اظهار کرد: ما فیلم می‌سازیم که تجربه کنیم و اشتباهات را در فیلم بلند تکرار نکنیم ما در «ایکس» گرچه برنامه‌ریزی درستی داشتیم اما فیلم با ایده‌آل ما فاصله دارد. مثلا فیلم‌بردار با آنکه یک فرد حرفه‌ای بود اما نوع فیلم‌برداری به فیلم آسیب زد. بعد از ساخت این «ایکس» به این نتیجه رسیدم که همه ما نیاز به تراپی داریم، نقطه‌های تاریکی در زندگی ما هستند که منشا آن‌ها را نمی‌دانیم.

شجری‌کهن هم عنوان کرد: گره‌های روانی از کودکی همراه می‌شوند و گاهی افراد را به آدم‌های خطرناک تبدیل می‌کنند البته ما چندان در موضوعات خبری نمی‌توانیم به این امر بپردازیم. رسانه سیستماتیک نداریم از این رو خیلی وقت‌ها رسالت سینما هشدار دادن و ثبت یک موقعیتِ آسیب‌رسان است، در «ایکس» موضع فیلم از شیوه روایت جلوتر است و شخصیت‌سازی بر اساس یک الگوی ازپیش‌دانسته انجام شده است ولی یک جاهایی به نظر می‌رسد انگار پلان کم داشته‌اند و در تدوین چیزهایی را سر هم کرده و عبور کرده‌اند.

تیموری هم در پایان درباره روند تولید این فیلم گفت: ما در دو بخش فیلم را فیلم‌برداری کردیم یکی فلش بک که آن را خودم گرفته و بقیه قسمت‌ها را در چهار پنج روز فیلم‌برداری کردیم.

آگهی مفقودی

اصل مجوز حمل سلاح شکاری به کد ۰۲۲۲۴۷۲۳۲۶۲۸۵ کالیبر ۹۲/۷ به شماره سلاح ۲۶۶۸۸ مدل پنج تیر گلنگدنی ساخت ایران به تاریخ تولید۱۳۱۸ بنام یوسف خانه به کد ملی ۴۵۰۰۹۵۵۱۲۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد ایلام

****

سند مالکیت "برگ سبز" خودروی سواری سیستم پژو تیپ ۲۰۶ رنگ نقره ای- متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور 10FSD83641754 شماره شاسی ۸۰۶۰۶۳۳۳ به شماره پلاک ایران ۹۹- ۴۴۹ ص ۸۹ نام مالک امیر علی شهنازی نام پدر ابراهیم به شماره ملی ۴۸۸۹۴۹۸۵۳۲ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبارساقط می باشد. گنبد

****

سند کمپانی و سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری سیستم کیا تیپ OPTIMA- 2400cc مدل ۲۰۱۵ رنگ سفید صدفی شماره موتور G4KEEH159241 و شماره شاسی KNAGN412BF5533449 به شماره پلاک ۵۹- ۵۱۵ ط ۵۲ متعلق به رضا یازرلو به شماره ملی ۴۸۷۹۶۶۶۸۳۱ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد.گنبد

****

برگ سبز سواری هاچ بک پژو 206TU3 مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید شماره موتور 165A0077387 شماره شاسی NAAP03EE4GJ841112 شماره پلاک ایران۸۲- ۶۴۴س۲۵ به نام میثم اصغری خنکداری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد. /

****

برگ سبز و شناسنامه سواری هیوندای آزرا مدل ۲۰۱۱ شماره پلاک ایران۶۲- ۷۳۶ص۲۹ شماره موتور G6DBAA542656 شماره شاسی KMHFC41DBBA538591 مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می گردد./

****

* برگ سبز خودرو سواری تارا مدل ۱۴۰۳ رنگ مشکی متالیک به شماره پلاک ایران ۶۰ - ۶۷۶ د ۲۷ و به شماره موتور 187B0099738 به شماره شاسی NAAY11H5FRDC96394 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

****

* برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۲۱ - ۱۴۸ ل ۳۵ و به شماره موتور 174B0014069 به شماره شاسی NAP13FE8HJ121051 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

****

* برگ سبز خودرو سواری رنو تندر مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید شیری روغنی به شماره پلاک ایران ۱۶ - ۲۹۷ و ۹۲ و به شماره موتور 100019606RR095966 به شماره شاسی NAALSRALDFA240836 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

****

* برگ سبز خودرو سواری شاهین مدل ۱۴۰۳ رنگ سفید به شماره پلاک ایران ۱۶ - ۵۶۱ د ۵۶ و به شماره موتور M15TC /۲۱۲۸۳۵۲ به شماره شاسی NAS111100R1126695 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

****

* برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت سیستم کویر مدل ۱۳۹۵ رنگ مشکی به شماره پلاک ایران ۶۱۴ - ۵۷۲۱۸ و به شماره موتور 0125N3C258064 به شماره شاسی N3C *** 125K9507562 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

دریچه

چهره مردم مظلوم فلسطین درنگاه نقاشان

نمایشگاه‌گردان «نقشی بر سنگ» درباره برگزاری این نمایشگاه و هنرمندان جهانی که در آن حضور دارند، توضیحاتی ارائه داد.

نمایشگاه منتخبی از آثار هنرمندان ایرانی، فلسطینی و بین‌المللی با عنوان «نقشی بر سنگ» با موضوع فلسطین افتتاح شده که تا ۱۸ شهریور برای بازدید علاقه‌مندان برقرار است. در نمایشگاه «نقشی بر سنگ» بیش از ۱۰۰ اثر از آثار هنرمندان برجسته ایرانی، فلسطینی و بین‌المللی از جمله حبیب‌الله صادقی، کاظم چلیپا، ایرج اسکندری، حسین خسروجردی، ناصر پلنگی، غلامعلی طاهری، مصطفی گودرزی، مرتضی اسدی، عبدالحمید قدیریان، احمد اسفندیاری، محمدعلی ترقی‌جاه، حبیب‌الله آیت‌اللهی، علی وزیریان، مصطفی ندرلو، سلیمان منصور، نبیل عنانی، مصطفی حلاج، مونا سعودی، کمال بلاطه، نوید نبعه، برهان کرکوتلی، عبدالمعطی ابوزید، عبدالرحمن المزین، حسین سعید، توفیق عبدالعال، ابراهیم هزیمه، محمد الشاعر، جمال افغانی، مارک ویریش، کلود لازار و... به نمایش گذاشته شده است.

در بخشی از توضیح این نمایشگاه آمده است: «وقتی محمود درویش با شعرهای تپنده‌اش خون تازه‌ای به تن زخمی ملت فلسطین می‌ریخت و قصه‌های غسان کنفانی هویت جمعی آنها را دوباره می‌ساخت و هر طرحی از ناجی العلی چنان گلوله‌ای سر بی سینه دژخیمان را می‌درید سال‌ها از شروع مبارزه فلسطینیان می‌گذشت. یوم النکبه در ۱۵ آوریل ۱۹۴۸ یعنی روز اعلان منشور استقلال یک دولت جعلی در سازمان ملل و آوارگی یک شبه ۷۰۰ هزار فلسطینی از شهرها و روستاهای خود تنها رسمیت بخشیدن کشورهای غربی به یک اشغالگری وحشیانه و بی سابقه بود. مبارزه با اشغالگران اما از سال‌های قبل آغاز شده بود؛ از همان زمانی که مجاهدانی چون عمر بیطار و شیخ عزالدین قسام در شمال سوریه علیه اشغالگری قیام کردند و از سال ۱۹۲۰ در کنار شیخ صالح علی با نیروهای فرانسوی جنگیدند. عزالدین قسام سپس به حیفا رفت و در زمان قیمومیت بریتانیا بر فلسطین شانه به شانه مبارزان عرب با متجاوزان مبارزه کرد و سرانجام در سال ۱۹۳۵ در درگیری با نیروهای انگلیسی در تپه‌های جلیله به شهادت رسید. در آن سال اسماعیل شموط تنها پنج سال داشت. او و چهره‌های هم نسل دیگرش چون غسان کنفانی، ناجی العلی و محمود درویش فلسطینیان جوانی بودند که خیلی زود فهمیدند سرنوشت این نبرد را تنها گلوله‌ها تعیین نمی‌کنند، ماجرا تازه شروع شده بود و ملت ستمدیده فلسطین برای مقاومت به سلاح‌های دیگری هم نیاز داشت. اسماعیل شموط جزء اولین نقاشانی بود که با هنرش به میدان مبارزه گام نهاد و آثارش روایتگر دردها و رنج‌ها و آرزوها و امیدهای ملتش شد. کارهای او برای بسیاری از هم وطنانش الهام بخش و امید آفرین بود. نسل‌های بعدی نقاشان فلسطینی هم تحت تأثیر کارهایش قرار گرفتند؛ چنان که سلیمان منصور، هنرمند برجسته فلسطینی ایده نخستین نقاشی‌های خود با رویکرد مقاومت را از او وام گرفت و بعدها در کنار نبیل عنائی ورا تماری، تیسیر برکات و بسیاری دیگر راهی را ادامه داد که او آغاز کرده بود. مساله فلسطین البته هیچ گاه به آثار نقاشان فلسطینی محدود نماند و در کارهای بسیاری از هنرمندان متعهد و دغدغه‌مند جهان از جمله هنرمندان انقلاب اسلامی ایران بازتاب یافت.

نمایشگاه «نقشی بر سنگ» مروری بر منتخبی از آثار همین هنرمندان متعهد و آگاه است.»

محمدرضا وحیدزاده پژوهشگر هنری و کیوریتور (نمایشگاه‌گردان) نمایشگاه «نقشی بر سنگ» در گفت‌وگو با مهر درباره ایده برگزاری نمایشگاه بیان کرد: ایده برگزاری نمایشگاه به دغدغه همیشگی مساله هنر مقاومت بر می‌گردد اما بعد از ماجرای هفتم اکتبر و جنایاتی که در غزه رخ داد، این موضوع برجسته‌تر شد و به این فکر افتادیم و تصمیم گرفتیم در ایام محرم و صفر با توجه به باورهای خودمان که جبهه حق و باطل، متناسب با شرایط روز زمان باید درک شود، به سراغ فلسطین برویم و در شرایطی که هنوز مردم مظلوم غزه تحت بمباران و حملات وحشیانه رژیم غاصب هستند، به هنر مقاومت بپردازیم.

وحیدزاده عنوان کرد: از هنرمندان نوگرای جهان نیز آثاری نه به صورت اورجینال بلکه به صورت فیلم و تصویر داریم مثل بنکسی، آی وی وی هنرمند چینی بین‌المللی، مایک پار هنرمند نوگرای استرالیایی، سامی حلبی و میسره بارود که این روزها خیلی فعال بوده است؛ بنابراین ما آثار هنرمندان آوانگارد و نوگرای امروز جهان را که به مساله فلسطین پرداخته‌اند، نیز در نمایشگاه داریم.

وی افزود: همچنین آثار از مکاتب، سبک‌ها و دوره‌های مختلف هنری با ملیت‌های مختلف داریم، آثار آوانگارد و مرتبط با هنر نوگرای امروز جهان را که به مساله فلسطین پرداخته‌اند، هم در این نمایشگاه داریم و از سبک‌ها و تکنیک‌های مختلف، دوره‌های تاریخی مختلف و ملیت‌های مختلف آثاری گردهم آمده که در واقع وجه مشترک آنها «فلسطین» است. پژوهشگر هنری یادآور شد: آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه می‌توانند بسیار الهام‌بخش باشند و در واقع مساله فلسطین را با ابزار اثرگذار، گویا، تاثیرگذار و بیانگر هنر بار دیگر مطرح کنند و افق‌های روشنی پیش روی ما بگذارند. امیدواریم که با کمک هنرمندان و اهالی هنر این مسیر ادامه پیدا کند.